



# انترناسیونال ۱۳۳

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۱ فروردین ۱۳۸۵، ۳۱ مارس ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

شہلا دانشفر

خواستهای خود، حق داشتن یک زندگی انسانی تاکید میگذارد، و وقتی دانشجو را زندانی میکنند

در جامعه ای که هر اعتراضی با سرکوب و زندان پاسخ میگیرد، در جامعه ای که اعتراض همه بخش های آنرا فرا گرفته است و یک جنگ نابرابر میان مردم و رژیم در جریان است، شعار زندانیان سیاسی آزاد باید گردد یک شعار محوری در میان همه مردم است. وقتی که کارگر بخاطر خواستهای برحقش، بخاطر مبارزه برای حق تشکّل، حق اعتصاب و حقوق پایه ای خود راهی زندان میشود، وقتی که معلم را دستگیر میکنند چرا که به تبعیض و نابرابری معترض است و بر

صفحه ۳



## بیانیه شورای امنیت و "بحران اتمی"

کازم نیکخواه

چهارشنبه ۲۹ مارس تصویب شد از جمهوری اسلامی خواسته شده است که به برنامه خود برای غنی سازی اورانیوم "بطور کامل و دائمی" پایان دهد. در بیانیه از سازمان بین المللی انرژی اتمی خواسته شده است که برنامه اتمی جمهوری اسلامی را پیگیری کند و ظرف ۳۰ روز آینده به شورا گزارش دهد که آیا ایران با درخواست های شورا همکاری کرده است یا نه. این بیانیه ابتدا به تصویب پنج عضو دائمی شورای امنیت رسید و پس از آن تمام ۱۵ عضو این شورا آنرا تصویب کردند. در این بیانیه هیچ بحثی راجع به اینکه اگر جمهوری اسلامی به این خواست شورای امنیت پاسخ ندهد چه

بیانیه اخیر شورای امنیت سازمان ملل که تمام کشورهای عضو این شورا آنرا تایید کردند گام دیگری بحران اتمی جمهوری اسلامی را به سوی حاد تر شدن سوق میدهد. این بیانیه گرچه در حد یک خواست از جمهوری اسلامی فراتر نمیرود اما بخودی خود به معنای گشوده شدن پرونده جمهوری اسلامی در شورای امنیت است و در واقع پیش درآمد تحولاتی است که میتواند از تحریم اقتصادی و دیپلماتیک تا حمله نظامی را در برگیرد. در بیانیه شورای امنیت سازمان ملل که روز

صفحه ۲



## نبرد با اسلام سیاسی در غرب در حاشیه تظاهرات برای آزادی بیان در لندن

کیوان جاوید

سازمان یافته بود از سر بگذرانند. برای این دولتها دفاع از سکولاریسم در کشورهای به اصطلاح جهان سوم

تعرض اسلام سیاسی بر سر کاریکاتورهای محمد را همه ما شاهد بوده ایم. دولتهای غربی جویانه در مقابل این تعرض عقب نشینتند و رسانه های رسمی در غرب مانع از انتشار مجدد کاریکاتورهای محمد شدند. و تا جایی هم که منتشر شد سردبیران این جراید را از کار اخراج کردند. جملگی پشت احترام به اسلام سنگر گرفتند تا بخیال خود این موج را که توسط دولتها و جریانات اسلامی

صفحه ۴



رضا مرادی با کاریکاتور محمد در دست که با استقبال پر شور حاضرین مواجه شد

## تظاهرات برای آزادی بیان در لندن

سخنرانی مریم نمازی در باره آزادی بیان که با استقبال گرم تظاهر کنندگان مواجه شد

کنگره اول  
منصور حکمت  
در گوتنبرگ  
سوئد  
برگزار میشود

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کنگره اول منصور حکمت



### سخنراناں

مینا احدی (مسائله زن، پاسخ منصور حکمت، یک بررسی تاریخی)، حمید تقوایی (ویژگیهای مارکسیسم منصور حکمت)، علی جوادی (تفاوت های منصور حکمت)، فریاد حسینی (منصور حکمت و کمونیسم در عمل، مروری بر ایده سازمان یابی ایرانیان در خارج کشور و تجربه فدراسیون پناهندگان)، سیاوش دانشور (کمونیسم کارگری و ادبیات)، شهلا دانشفر (منصور حکمت و جنبش کارگری)، ادیب فرزاد (اومانیسم و مدرنیسم منصور حکمت) و آذر ماجدی (کمونیسم منصور حکمت)

### جمعه ۱۴ و شنبه ۱۵ آوریل

#### محل: گوتنبرگ، سوئد

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید  
اسکان نگهداری از کودکان بشرط آنکه از پیش نام نویسی شود، موجود است. هزینه نگهداری دو روز برای هر کودک ۱۰۰ کرون سوئد ورودی برای دو روز نفری ۱۵۰ کرون سوئد  
از علاقمندان خواهش میشود که برای تسهیل امر تدارکات حتماً از پیش ثبت نام کنند  
کسانی که به محل اسکان احتیاج دارند باید سریعاً با بهروز مهرآبادی یا شهلا نوری تماس بگیرند  
شماره تلفن:

شهلا نوری  
بهروز مهرآبادی

+46-737262622  
+46-704227196

برای تسهیل در امور و تأمین مخارج کنگره از علاقمندان به شرکت خواهشمندیم که هزینه شرکت در کنگره و کمک های مالی خود به کنگره و بنیاد منصور حکمت را در حساب زیر واریز کرده و سپس ما را از این کار مطلع کنند شماره حساب:

PlusGirokonto 442066-7 WL  
Sweden

برای اطلاعات بیشتر با تلفن های بالا یا با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید:

[azarmaleli@yahoo.com](mailto:azarmaleli@yahoo.com)

حاصلی نخواهد داشت. بیشترین تهدید متوجه زندگی مردم ایسران و دستاوردهای جنبش اعتراضی و انقلابی آنهاست که با دردها و خونها و مشقات بسیار گامهای بلندی را به پیش برداشته است.

و در واقع بیشترین امید ومحکمترین و مادی ترین اهرمی که میتوان با آن جلوی فاجعه را گرفت و هم سیاست میلیتاریسم آمریکا در ایران را به بن بست و شکست کشاند و هم ارتجاع اسلامی حاکم را به زانو در آورد، نیز همین جنبش و همین مردم اند.

## بیانیه شورای امنیت ...

ویژه خود را از این کشاکش دنبال میکند. این حکومت از يك سو با بحران جدی داخلی در حال دست و پنجه نرم کردن است که کل موجودیت آنرا زیر سوال کشیده است. این بحران مقابله میلیونها نفر مردمی است که از جهنم موجود به تنگ آمده اند و هرروز به اشکال مختلف حاکمیت این رژیم را به زیر سوال میکشند. کارگران، دانشجویان، زنان و کل مردم میلیونی از فقر و خفقان و تحجر عنان گسیخته کار به استخوانشان رسیده است. اکثریت عظیم این مردم فهمیده اند که برای دست یابی به حداقلی از زندگی انسانی باید این حکومت را به زیر کشند. جامعه ایران در التهاب بسر میرود. کوچه و خیابان و دانشگاه و کارخانه و همه جا محل کشاکش بخشهای مختلف مردم با عوامل جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میدانند که این موج را نمیتواند عقب براند. میدانند که به خواسته های این مردم نمیتواند پاسخ گوید. میدانند که هرروز و هر ساعت خطر گسترش این اعتراضات پراکنده اما بسیار وسیع وجود دارد. این حکومت تا کنون همه راهها را برای عقب راندن مردم امتحان کرده است و همه آنها به شکست رسیده است. آخرینش پروژه خاتمی و دوم خرداد بود که گرچه برای این حکومت چند سال وقت خرید اما به ته خط رسید و شکست خورد. بحران بین المللی از نظر این حکومت یکی از مهمترین خواص اینست که فضا را گل آلود میکند. اولویتهای مردم را کنار میزنند و مصالح رژیم را به جلو میرانند. این یکی از محاسبات جمهوری اسلامی برای تشدید بحران بین المللی است. جنبه دیگر محاسبات جمهوری اسلامی در واقع تثبیت جایگاه خود در راس اسلام سیاسی است که در سالهای اخیر در سطح جهان به تکاپو افتاده است و این حکومت مجدداً به صرافت این افتاده است که با بازگشت به شعارهای اوایل به قدرت رسیدنش به این جنبش ارتجاعی جان تازه ای بدهد و جایگاه خود را در راس آن تثبیت کند.

به عبارت دیگر بحران موجود آشکارا ارتجاعی ترین قطبهای بورژوازی را روبروی هم قرار داده است. کشاکش این نیروها برای مردم جهان جز مصیبت و درد و عقبگرد

اقدامی علیه آن خواهد شد مطرح نشده است.

آنچه بعنوان "بحران اتمی جمهوری اسلامی" خوانده میشود هرروز دارد جدی تر و خطرناک تر میشود. بشریت خود را با يك فاجعه دیگر که طرفین این کشاکش آفرینندگان آن هستند روبرو می بیند. سوال اینست که ادامه این بحران چه خواهد بود؟ آیا خطر حمله نظامی به ایران وجود دارد؟ آیا جمهوری اسلامی از حمله نظامی هراسی ندارد؟ نتیجه يك کشاکش نظامی چه خواهد بود؟ این بحران بر زندگی مردم ایران چه تاثیری خواهد داشت؟ چگونه میتوان مانع گسترش این بحران شد؟

در واقع بدون دخالت فعال و جدی و هوشیارانه مردم متمدن جهان این بحران بی تردید به کشاکشی حاد و فاجعه بار منجر خواهد شد. زیرا هردوسوی آن مصالح خود را در ادامه این بحران نه حل آن می بینند. از يك سو حکومت آمریکا در پس کشاکش با جمهوری اسلامی پیشببرد سیاستهای نظم نوینی اش را دنبال میکند و میدانند که بدون تسویه حساب با حکومت اسلامی نمیتواند کل سیاستهایش در خاورمیانه را به سرانجامی برساند. سلطه بر خاورمیانه بزرگ برای آمریکا حلقه کلیدی در تثبیت هژمونی جهانی این حکومت است و برای عملی شدن این سیاست به زانو در آوردن جمهوری اسلامی يك اصل است که تمام استراتژیهای نوکنسرواتیست آمریکا بر آن تأکید میکنند. روی کار آمدن باند احمدی نژاد فضا را برای پیشبرد سیاست حکومت بوش و شرکا کاملاً مهیا کرد و تلاش دولتهای اروپایی را که از قدر قدرتی آمریکا مصالح خود را در خطر میدیدند و با سیاست "دیالوگ انتقادی با جمهوری اسلامی" در پی حفظ این رژیم بودند به شکست کشاند. جمهوری اسلامی عملاً جبهه متحلی را در سطح بین المللی علیه خود شکل داد. در راس این جبهه راست ترین جناح بورژوازی بین المللی قرار دارد و مقابله با جمهوری اسلامی جزئی از يك استراتژی گسترده تر و جهانی تر آنست که تنها به ایران و خاورمیانه محدود نمیشود. سوی دیگر این کشاکش جمهوری اسلامی است که مصالح

جنگ و نظم نوین آمریکا ابراز میکنند اعلام کرد که دولت آمریکا در ایران با يك خلا مواجه نیست. مردمی میلیونی در میدانند و با جنگ و دندان دارند از زندگی و حقوق خود علیه جمهوری اسلامی دفاع میکنند. اگر کسی بخواهد از انسانیت و مدنیت دفاع کند باید از جنبش اعتراضی و انقلابی این مردم بی بروبرگرد دفاع کند. باید به جمهوری اسلامی و به میلیتاریسم آمریکا هردو نه بگوید. و نه فقط این. باید از خواسته های مردم ایران، از آزادیهای سیاسی در ایران، از خواسته ها و تشکلهای کارگران ایران، از جنبش زنان ایران علیه آپارتاید جنسی، از جنبش دانشجویان ایران، و از کل جنبش انقلابی و رادیکال در ایران حمایت کند. بدون دفاعی فعال از این جنبش بدون تقویت جدی این جنبش مقابله با ارتجاع دست راستی و هژمونی طلب و "نظم نوینی" حاکم در آمریکا و غرب ممکن نیست. \*

خود رقم بزنند میتوان کل سناریوی غرب را با توقف و شکست مواجه کرد. به عبارت دیگر گسترش و تقویت جنبش اعتراضی و انقلابی در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و پایه ریزی جامعه ای انسانی و آزاد، مهمترین رکن مقابله با فجاجع بحرانی است که مدت هاست آغاز شده است. این جنبش باید در فضا و شرایط موجود در عین حال مقابله با سیاستهای نظم نویسی و میلیتاریستی آمریکا را نیز يك محور جدی حمله خود قرار دهد. مردم ایران باید فعالانه یا به میدان بگذارند و علیه جمهوری اسلامی و قلدردمشناسانه دولت آمریکا و متحدهانش آشکارا مخالفت خود را ابراز کنند. در سطح بین المللی نیز دفاع از انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و مخالفت با سیاست نظم نوین آمریکا میتوانند محور محکمی برای مقابله با فجاجع این بحران باشد. باید به همه مردم شریف جهان که انزجار خود را از

## از صفحه ۱ زندانی سیاسی آزاد ...

چون آزادی می‌خواهد، چون از فقر به ستوه آمده و زندگی ای انسانی می‌خواهد و چون به آپارتاید جنسی و به همه مظاهر عقب مانده قوانین اسلامی حاکم بر جامعه معترض است، روشن است که مردم بیش از هر وقت خود را در تقابل با زندان و نهادهای سرکوب رژیم می بینند. امروز همانطور که مبارزه ابعادی توده ای پیدا کرده است، زندان نیز هر روز بیشتر به محل اسارت رهبران و سخنگویان این اعتراضات و شخصیت های محبوب مردم تبدیل میشود. به این اعتبار مردم امروز بیش از هر وقت میدانند که زندان یعنی سرکوب اعتراضات برحق آنها و طبعاً خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی هر روز بیشتر به خواست بخش های وسیعتری از جامعه تبدیل میشود.

دستگیر شدن ما دیدیم که چگونه این اقدام رژیم با اعتراض مردم و بخش های مختلف کارگری روبرو شد، تا جاییکه این کارگران ظرف ده روز اعتراض و مبارزه فشرده، از زندان آزاد شدند و بعد نیز که آنها را دوباره به دادگاه احضار کردند و برایشان احکام زندان صادر شد، این اعتراضات دوباره سر بلند کرد. و بالاخره نمونه دستگیری اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد را داشتیم که با اعتصابی شکوهمند از سوی ۱۷۰۰۰ کارگر شرکت واحد در اعتراض به این دستگیری پاسخ گرفت و کل جامعه را به تحرك در آورد. اینها همه شواهدی است که بطور واقعی امروز رنگ دیگری به زندان و زندانی در ایران داده است. اینها همه شواهدی است که نشان میدهد مبارزه حول خواست زندانی سیاسی آزاد باید گردد امروز چه جایگاه مهم و اجتماعی ای در کل جامعه پیدا کرده است.

از سوی دیگر تحت تاثیر همین فضا، امروز ما شاهد تحرك بیشتری نیز در میان خانواده های زندانیان سیاسی هستیم. اگر قبلاً این خانواده ها به خاطر اینکه خود را تنها و در انزوا میدیدند، ناگزیر بودند به راه حلهای فردی متوسل شوند و با مراجعات فردی شان به زندان ها تلاش در گرفتن ملاقات و طی شدن مراحل قانونی پرونده عزیزانشان داشتند و از همین رو گرفتار دست اندازهای قانونی جمهوری اسلامی میشدند، امروز میبینیم که آنها نیز خود را تنها نمی بینند و صدای اعتراض خود را رو به جامعه بلند میکنند و در پیشاپیش این اعتراضات قرار میگیرند. از جمله در دستگیری فعالین سقز ما شاهد بودیم که چگونه همسران این کارگران به نهادهای بین المللی نامه دادند، از مردم و همه انسانهای آزادیخواه طلب یاری کردند و در شکل دادن به اعتراضی گسترده حول این دستگیری ها نقش داشتند. آخرین نمونه همین روز اول فروردین سال جدید در تهران بود که تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین تجمع کردند و با یاد از عزیزان خود، خواست خود مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی را اعلام داشتند.

امروز شعار زندانیان سیاسی آزاد باید گردند، فریاد اعتراض

زندانیان هر روز شدت بیشتری میگیرند و این یعنی اینکه مردم دارند فریاد میزنند که دیگر اجازه نمیدهند که انسانهای مبارز و آزادیخواه راهی زندان شوند. همانطور که اشاره کردم دیگر دوره زندان کردن و دوره سرکوب گذشته اس نه به این دلیل که جمهوری اسلامی تغییری در سیاست سرکوبش داده است بلکه به این دلیل که میلیونها نفر از مردم ایران مساله زندانیان سیاسی را امر خود میدانند و هر دستگیری و به بند کشیدنی به بحثی در میان طیف بسیار گسترده ای از مردمی تبدیل میشود که هرروز دارند انزجار خود را از سرتاپای این حکومت منفور ابراز میکنند؛ به این خاطر که حکومت اسلامی و تمام دست اندرکارانش دارند در پیش چشم خود لمس میکنند که با به بند کشیدن فرزندان مردم صف گسترده ای از انزجار و مبارزه و اعتراض را علیه خود بسیج میکنند. این آن عامل اساسی است که سیاست زندانی کردن افراد به جرم مخالفت و انتقاد و حق طلبی و آزادی خواهی را با شکستی محتوم روبرو میسازد و برای مردمی که دریافته اند که برای زنده ماندن نیز باید علیه این دستگاه حاکم به مبارزه و اعتراض برخیزند، مقابله با سیاست زندانی کردن مخالفین يك امر بدیهی است. مردم خوب میدانند که برای بزیر کشیدن این حکومت باید در زندانها را شکست، باید فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را سرداد. باید با خانواده های زندانیان سیاسی ابراز همدردی و همراهی و پشتیبانی کرد.

مستقل از اینکه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی چگونه پیش رود و تا چه حد بطور بالفعل جریان یابد، در اذهان عمومی جامعه زندانیان سیاسی عزیزند و بحث در مورد زندانیان سیاسی يك موضوع داغ است و اولین تصویری که از آزادی وجود دارد گشوده شدن در زندانهای سیاسی است.

در این میان نکته مهم و قابل توجه اینست که رهبران قابل اعتماد مردم در هر عرصه ای باید تلاش کنند که مساله آزادی زندانیان سیاسی را به مساله آزادیهای بی قید و شرط سیاسی گره بزنند و پیوند گسست ناپذیر این دورا به هم نشان دهند. مردمی که انزجار خود را از خفقان و سرکوب و دستگیری و شکنجه به اشکال مختلف بیان

جامعه ایست که ۲۷ سال سرکوب و خفقان را متحمل شده و این صدا دارد هر روز بلند تر و رساتر میشود. از جمله همانطور که در بالاتر اشاره کردم در سال گذشته ما شاهد تجمعات و اعتراضات بسیاری در مقابل اوین و برای آزادی زندانیان سیاسی بودیم. در دوره مبارزه علیه مضحکه انتخابات يك عرصه مهم مبارزات مردم و يك شعار مهم اجتماعات اعتراضی مردم شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد بود. و در اعتراضات دانشجویی نیز این مساله خود را در قطعنامه ها و در طومارهای اعتراضی شان به روشنی منعکس کرد.

از سوی دیگر اعتراض و مبارزه در داخل خود زندان است. در همین یکساله بارها و بارها ما شاهد اعتراضات هر روزه زندانیان سیاسی در داخل زندان، شاهد اعتصاب غذاها و حتی درگیری آنها با مامورین زندان و مقاومت در مقابل وضعیت درون زندان بوده ایم. در واقع میتوان گفت آنچه امروز در زندان میگذرد، ادامه چیزی است که ما امروز در خیابانها، در هشت مارس ها و در ۱۶ آذر ها و در مناسبت های مختلف شاهدش هستیم. یعنی حاکی از جنبش انقلابی است که به قدرت به جلو میروند و امروز به طرف درب زندانها کشیده شده است. مردم دارند دورخیز میکنند و این اعتراضات بیانگر این واقعیت است که دیگر دوره زندان و سرکوب سپری شده است. بویژه دستگیری بیش از هزار کارگر شرکت واحد فضای درون زندان را نیز تغییر داد. از جمله در طول این چند ماهه اخیر که ما شاهد مبارزات کارگران شرکت واحد بودیم، روزی نبود که جمع هایی از کارگران و خانواده های کارگران زندانی در مقابل درب زندان اوین و داسرای انقلاب اسلامی جمع نشوند و خواست آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی طرح نگرده. اکنون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به يك عرصه مهم مبارزه در ایران تبدیل شده است. امروز اگر اول مه است، اگر ۱۶ آذر است و اگر هر تجمع و اعتراضی هست در کنار دیگر خواستها و مطالبات خواست آزادی زندانیان سیاسی به میان کشیده میشود. به عبارتی دیگر در شرایطی که رژیم تلاش میکند سرکوب کند، زندان کند، تهدید کند، مبارزه برای گشودن درب

میکند، باید بی ابهام مدافع آزادی بی قید و شرط سیاسی باشند. باید قاطعانه و بدون هیچ تزلزل و ابهامی از آزادی بیان، آزادی اجتماع، آزادی مخالفت و انتقاد و آزادی عقیده و فکر دفاع کنند. باید در ادامه این مبارزه و با سرنگونی جمهوری اسلامی، دوره زندانهای سیاسی و سرکوب و خفقان را نیز يك بار برای همیشه پایان داد و جامعه ای سازمان داد که يك بند مهم قانون اساسی آن آزادی بی قید و شرط سیاسی است.

بویژه امروز که ما در شرایطی هستیم که جامعه در جنب و جوش اعتراضی است و مردم مترصد فرصتی هستند تا اعتراضشان را بیان کنند، توجه به امر آزادی های سیاسی و در قدم اول آزادی زندانیان سیاسی امر جدی و فوری و مهمی است. جامعه آستان تحولات سیاسی مهمی است. رژیم سعی میکند با رجزخوانی حول جنگ و حمله آمریکا به ایران هر اعتراضی را خفه کند. اما بیش از هر وقت در استیصال و در فشار است. در چنین فضایی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی آن عرصه مهمیست که به این اعتراضات قدرت و توان بیشتری میبخشد. امروز شرایطی است که باید درب زندانها را گشود. امروز شرایطی است که بیش از هر وقت باید در این عرصه از مبارزه فعالانه شرکت داشت و با شعار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی پرچمدار این مبارزه شد.

در يك کلام شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" يك شعار سیاسی مهم و پیام آور اتحاد و همبستگی مردم برای به زیر کشیدن این حکومت و برای آزادی است. باید با این شعار به خیابانها آمد و در هر حرکت اعتراضی پرچم آنرا برافراشت. دور نیست روزی که با مبارزه خود درهای زندانها را بگشاییم و همه زندانیان سیاسی را به آغوش بگیریم. همانطور که دیدیم رژیم در برابر يك کمین همبستگی بین المللی کارگری بخش اعظم کارگران دستگیر شده واحد را ناچارا آزاد کرد. تجربه آزادی کارگران واحد راه را به ما نشان داد. باید از این تجربه آموخت. باید امروز مقابل اوین و دادگاه انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی محل تجمعات اعتراضی هر روزه ما باشد. باید

از صفحه ۱ **نبرد با اسلام سیاسی ...**

نه تنها هرگز مهم نبود، تاجایی که تیغ شان نیز می برید در کنار ارتجاع و علیه مبارزات مردم به حمایت از دولت‌های سرکوبگر پرداختند و هنوز هم این روند ادامه دارد.

استراتژی دول غربی در کشورهای موسوم به جهان سوم و از جمله جوامعی که زیر تیغ اسلام سیاسی هستند کاملاً روشن بوده و هست: چشم بستن در برابر جنایات بیشمار جانیان حاکم بر این جوامع و انکار مبارزه مردم. قواعد بازی این بود که تعرض اسلام سیاسی، چه دولتی و غیر دولتی به ابتدائی ترین حقوق انسانی مادام که از چهارچوب کشوری و منطقه ای اش خارج نشود مورد اغماض قرار بگیرد و نادیده گرفته شود. اما اسلام سیاسی به این قواعد بازی وفادار نماند و در تلاش برای بسط نفوذش به خارج از مرزهای تعیین شده دست به تعرض زد. ۱۱ سپتامبر سرآغاز این تعرض به غرب بود. اما عکس العمل دول غربی نه مبارزه با هر نوع ارتجاع اسلامی، که مهار اسلام میلیتانت از نوع بن لادن است و به این دلیل هر حرکتی که کل ارتجاع اسلامی و ایدئولوژی پوسیده اش را زیر ضرب قرار دهد با واکنش مخالف دولتهای غربی روبرو می گردد.

**انتشار کاریکاتورهای محمد، اهداف و نتایج**

انتشار اولیه کاریکاتورهای محمد با هر نیتی که صورت گرفته باشد بی شک نه تنها اسلام سیاسی، که کل ایدئولوژی اسلامی تا مبدأ اولیه آن را مورد تعرض قرار داده است. کاریکاتورهای نمادی از محمد ضد زن و تروریست بودند. اما بعد از توحش جریان‌های اسلامی که ظاهراً دور از انتظار طراحان اولیه کاریکاتورهای بود، دول غرب در مقابل اسلام سیاسی سیر انداخته و پوزش طلبیدند و در لاک دفاعی فرو رفتند و پشت پرچم دفاع از آزادی بیان در غرب سنگر گرفتند تا مجبور نباشند تماماً شکست را بپذیرند. اسلام سیاسی در نهایت وحشی گری دست به آتش زدن سفارتخانه های دانمارک زد و حتی تهدید به قتل هر شهروند دانمارکی کرد تا نشان دهد مرزهای ممنوعه ای وجود دارد و برای گذشتن از آن باید بهائی سنگین پرداخت. در عکس العمل به

وحشی گری و قدرت نمایی اسلام سیاسی، دول غربی حتی از همان آزادی بیانی که در غرب از آن دم می زند نتوانستند دفاع کنند و کاملاً ضد آزادی بیان به میدان آمدند تا جایی که دولت سوئد با دخالت سازمان اطلاعاتش از ادامه کار سایتی که این کاریکاتورها را منتشر کرده بود جلوگیری کرد و دلایلش را هم منافع اقتصادی و سیاسی دولتش با "جهان اسلام" نام نهاد.

**عکس العمل مردم در غرب**

واکنش های اولیه تماماً منعکس کننده انزجار مردم در غرب علیه اسلام سیاسی و البته همراه با پاسیفیسیم بود. رسوبات سم نسبیت فرهنگی در این عکس العمل پاسیفیستی بی تاثیر نبود. آیا انتشار این کاریکاتورها توهین به مقدسات مردمی دیگر با فرهنگ متفاوت است؟ آیا قدرت وحشیگری جریان‌های اسلامی و تهدید به قتل و کشتار و همراه با آن آتش زدن سفارتخانه ها، مردم را مرعوب کرده است؟ آیا مردم تحت تاثیر مدیای رسمی دولتی اند که هر سیاستی را به خورد شان می دهد؟

از نظر من همه اینها تا حدودی بر افکار و عمل مردم غرب تاثیر داشته و تلاش عظیمی برای خنثی کردن این توهنات لازم است. اما مهم ترین مسئله این است که مردم پرچم شفاف نادارند که دور آن بسیج شوند و به اسلام سیاسی تعرض کنند. مردم غرب بهر حال تحت تاثیر نسبیت فرهنگی نمی خواهند به راسیسم متهم شوند و به این دلیل هر کجا که علیه اسلامیتها وارد عمل شدند متقابلاً با ضد حمله اسلامیتها روبرو شدند که آنها را به ضد خارجی بودن و ضدیت با مردم با فرهنگهای دیگر متهم کرده اند. آزادیخواه و سکولاریست غربی ترجیح می دهد فعلاً کسانی جلودار این مبارزه باشند که در عین حال که در برابر ارتجاع اسلامی و اسلام سیاسی سینه سپر می کنند، نشود آنها را به راسیسم نیز متهم کرد. به دلایل تاریخی مختلف شهروند غرب فکر می کند مردمی که از آن تاریخ و از آن جغرافیا آمده باشند و تجربه دست اولی از مبارزه با اسلام سیاسی

و ارتجاع داشته باشند، راحت تر می توانند پرچمدار این مبارزه باشند. در این کشمکش سیاسی است که باید به مردم غرب نیز نشان داد که آزادیخواهی و برابری طلبی مرز و ملیت و جغرافیای معینی نمی شناسد و هر فرد از هر کجا که آمده باشد می تواند و باید به جنگ دنیای نابرابر امروز برود. آزادیخواه و سوسیالیست غربی باید یاد بگیرد تنها کسانی می توانند پرچم مبارزه با ارتجاع اسلامی را بلند کنند که هیچ بدهکاری ای به لیبرالیسم کج و کوله غربی نیز ندارند؛ که آزادی بیان را تا رهایی انسان از مناسبات اسارتبار سرمایه داری بسط می دهند.

**نقش حزب بعنوان****پرچمدار مبارزه با اسلام سیاسی در غرب**

تظاهرات لندن در دفاع از آزادی بیان (۲۵ مارس) یک نمونه موفق از دخالت فعالین حزبی در عقب راندن ارتجاع اسلامی در انگلیس و به یک معنا در غرب بود. در جریان این تظاهرات، برای اولین بار در انگلیس این کاریکاتورها در ملاء عام استفاده شده است و وسیعاً خبرش در سایتهای غیر دولتی منتشر شده است. همانطور که پیش بینی کرده بودیم نه سازماندهندگان تظاهرات دفاع از آزادی بیان در انگلیس خواهان استفاده از کاریکاتورهای محمد بودند و نه هیچ کس از تظاهرات کنندگان به دلایل مختلف و از جمله دلایلی که در بالا ذکر گردیده است تمایلی به استفاده از این کاریکاتورها داشتند. روشن بود اگر کسی این پوسترها را داشته باشد مورد توجه مردم و خبرنگاران قرار خواهد گرفت. اما چگونه ممکن بود هم از کاریکاتورها استفاده کرد و هم بهانه به هیچ جریان راستی، راسیست و نژاد پرست نداد؟ شعارها تعیین کننده بودند و بندی از برنامه جریان‌های که از این کاریکاتورها استفاده کرده است را مشخص می کرد: "آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل"، "دست مذهب از زندگی زنان کوتاه". دقت کنید: دست مذهب از زندگی زنان کوتاه، نه فقط دست اسلام! استقبال از فرد حامل پلاکاردها

بخواهیم منصور اسانلو، منصور حیات غیبی و دهها و صدها انسان آزادیخواه دیگری که امروز در زندانها هستند فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. باید خانواده های تمام عزیزانی که امروز در بند هستند پیشاپیش این صف اعتراض باشند. باید با یک همستگی بزرگ کارگری و همه کاریکاتور محمد تماشاچی بود. به محض اینکه این پلاکار توسط رضا مرادی بلند شد تعداد وسیعی از تظاهر کنندگان، بسرعت دور او گرد آمدند و افشاگری های او را با دل و جان شنیدند و او را مورد تشویق قرار دادند. این پلاکاردها همرا با سخنرانی پرشور مریم نمازی در حمله به ارتجاع جهانی و اسلام سیاسی مکمل هم شدند تا در ادامه اکثر شرکت کنندگان برای در دست گرفتن این پلاکاردها با هم مسابقه بگذارند. مبارزه حول این اتفاق در انگلیس قطبی شده است. دولت انگلیس قرار است "بخاطر شکایت یک فرد اسلامی"، رضا مرادی حامل این

**اسپانسرهای حزب و کمکهای مالی دریافتی****لیست اسپانسرهای حزب (ادامه از شماره ۱۳۱)**

نام	مبلغ کمک ماهانه
کمیته برمن	۷۵ یورو
اسی	۵۰ یورو
از طریق مهین درویشیان	۲۰ یورو
علی محسنی	۳۰ یورو
واحد پادبورن	۳۵ یورو
واحد مکالنبورگ	۵۰ یورو
محمد کریمی	۶۰ یورو
<b>لیست کمک مالی</b>	
مهران محبوبی	۱۰۰ دلار کانادا
آناهیتا کاظمی	۲۰ دلار =
محمد کاظمی	۲۰ دلار =
باتو مخبر	۲۰ دلار =
دوستاران حزب	
(از طریق جمشید هادیان)	۱۰۰ دلار =
ویتا از ایران	۲۰۰۰ کرون

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)آدرس تماس با حزب: [markazi@ukonline.co.uk](mailto:markazi@ukonline.co.uk)

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

از صفحه ۳ **زندانی سیاسی آزاد ...**

انسانهای آزادیخواه درهای زندان را بگشاییم. بستگان زندانیان سیاسی باید خود را در حلقه مهر و محبت و همراهی خیل وسیعی از ما مردم ببینند. باید بدانند و ببینند که همانقدر که سرکوبگران فرزندان و عزیزان آنها مورد نفرت همه مردم هستند، عزیزان در بند آنها عزیزان میلیونها انسان هستند.\*

کاریکاتور را به دادگاه بکشاند اما از حالا نامه های حمایتی از کسانی که در آن تظاهرات حضور داشتند به سوی ما سرازیر شده است که در دفاع از رضا مرادی و حرکت شجاعانه اش ابراز علاقه کرده اند. از وکیل رایگان تا جمع شدن در مقابل دادگاه و براه انداختن تظاهرات، اقداماتی است که پیش نهاد شده است. نه تنها در انگلیس که در غرب، سکولاریستها و آزادیخواهان منتظر بلند کردن پرچم مبارزه با اسلام سیاسی اند و فقط کمونیسم کارگری و حزبی می تواند این امکان را در اختیار این مردم قرار دهد.\*